

شاه غلام حسن یک شاعر سرشناس زبان فارسی در ناحیه گیا

دکتر محمد صادق اختر

استاد وقتی،

دانشگاه انگلیسی و زبان های خارجی

هیدرآباد

شماره همراه: 9818148553

چکیده:

هند کشوریست که آن را باید گهواره علم و معرفت خواند. اگر در این کشور فهرست شاعران و نویسندگان زبان فارسی ملاحظه می کنیم می بینیم که در دهکده ها و جاهای غیر معروف و نیز گوشه و کنار کشور شاعران برجسته، دانشمندان و زبان شناسان بزرگ بظهور آمدند که توسط آنها زبان فارسی در آن بخش و منطقه ترویج و گسترش یافت و میان مردم عامه رواج پیدا کرد و برگ و بار آورد. همچنین یک دهکده کوچک بنام بیتهو که در ناحیه گیا واقع است، یک شاعر سرشناس زبان فارسی سید شاه غلام حسن را پرورش نمود که در زمان خود مورد افتخار شاعران و دانشمندان بوده.

سید شاه غلام حسن یک شاعر معروف زبان فارسی و یک صوفی بزرگ در زمان خود بود که در دهکده ای معروف به بیتهو نزد گیا زندگی می کرد. سلسله نسبش به حضرت سید اشرف جهانگیر قدس سره می رسد. در آثار منظومش یک دیوان و یک مثنوی بنام "کارستان عشق" وجود دارد.

واژه های کلیدی: شاه غلام حسن، گیا، بیتهو، صوفی

سید شاه غلام حسن پسر شاه امیرالله ابن سید شاه خیرالله در سلاله حضرت سید اشرف جهانگیر سمنانی قدس سره که در شهر کچهوچه آسوده خاک است، می باشد. او در قریه بیتهو در ناحیه گیا بیمار سکونت داشت و همانجا از جد خود سید شاه بدیع الزمان رحمة الله علیه کسب علم پرداخت و نیز حقایق و معارف را تحصیل کرد و بدست صوفی شاه روشن علی قدس سره بیعت نمود و خرقة خلافت از حضرت شاه محمد منعم علیه الرحمه گرفت. بعد از تکمیل علوم ظاهر و باطن و طی مراحل سلوک و عرفان، افاده و استفاضه آغاز نمود. این همه تفصیلات در مقدمه دیوان وی مذکور است:

"مصنف این کتاب فیض انتساب حضرت سید شاه غلام حسن ابن سید شاه

غلام حسین قدس سره از اولاد امجاد حضرت سلطان سید اشرف جهانگیر

کچهوچه و از سادات کبار و اتقیای روزگار است.....تعلیم و تلقین علوم باطن از

جد خودش سید شاه بدیع الزمان مغفور بایمای فیض انتمایش بیعت و رشد و ارشاد از حضرت صوفی شاه روشن علی قدس سره حاصل نمود. حضرت صوفی شاه محمد منعم علیه الرحمه بعطای خرقه خلافت تشریف بیکرانش ارزانی فرمود. بعد تحصیل و تکمیل علوم ظاهر و باطن بر چاربالش افاده و افاضه نشست ... و بنور علم و معرفت ره غلط کردگان ظلمتکده معنی را بشاهراه تحقیق هدایت میفرمود³

سید شاه غلام حسن یک شاعر معروف زبان فارسی در زمان خود بود. شعر بسیار عالی می سرود. از نثر هیچ اثری بدست ما نرسید اما بنا به گفته های معاصرین و تذکره نگاران او در نثرنگاری هم دست داشت. در شاعری یک دیوان مشتمل بر غزل، قطعات، رباعیات، مخمس، مسدس، قصیده و ترجیع بند دارد و یک مثنوی بنام "کارستان عشق" است که مهمترین، مشهورترین و گرامی ترین اثر وی است. این مثنوی بشکل مخطوطه در کتابخانه خدا بخش موجود است. شاه حسن در آن مثنوی داستان یک پادشاه بنام بلند اختر را بیان فرموده است.

سید عزیزالدین احمد بلخی در کتاب اردوی خود موسوم به "تاریخ شعرای بهار" در مورد شاه غلام حسن و کار ادبی وی می نویسد:

"سید شاه غلام حسن خلف سید شاه امیرالله ابن سید شاه خیرالله متوطن قصبه بیتو ... در سال 1258 هجری بدرود حیات گفت، مثنوی کارستان عشق و در اصناف سخن یک کلیات ضخیم که مشتمل بر دوازده هزار بیت است در عقب خود گذاشته."⁴

چنانچه وقتی ما در کلیاتش اصناف سخن گوناگون مانند غزل، منقبت، مخمس، مسدس، رباعیات و غیره را می بینیم این واضح می شود که وی در شعر سرایی قریحه و استعداد عالی داشت و یک سرمایه بزرگ در زمینه ادبیات منظوم گذاشته که توجه محققین و پژوهشگران ادب را بخود جلب می نماید.

شاه حسن دارای شهرت و احترام در میان معاصرین بوده چنانچه شاعران و نویسندگان آن دوره شاهد کارنامه های پرارزشی اش هستند. حضرت سید شاه عطا حسین فانی در کتاب خود موسوم به

³ غلام حسن، سیدشاه، دیوان حسن، مطبع نظامی، کانیپور، 1284 ه، ص 2
⁴ بلخی، سید عزیزالدین احمد، تاریخ شعرای بهار، جلد اول، 1931، قومی پریس لیمیتد، پتته، ص، 68

"کیفیت العارفین ونسبت العاشقین" می نویسد: "سید شاه غلام حسن بیتهوی شاعر بی بدل و نثار با عدل بودند"⁵

از این معلوم می شود که سید شاه غلام حسن نه فقط شاعر برجسته بلکه یک نویسنده هم بود. او شاعر بسیار توانا و مسلط به زبان فارسی بود که اشعارش نشانگر آن است. او طبع خود را در سرایش تمامی قالبهای شعر آزمود.

همین طور شاه باقر یک شاعر برجسته زبان فارسی معاصر شاه حسن بوده است. در یک بیت این چنین توصیف می نماید:

کمیت طبع در میدان معنی کرد چون جولان بعهد خویشتن گویا نظیری و فغانی شد⁶
شاه غلام حسن چون از خانواده صوفیا بود و کارهای رشد و اصلاح مردم را انجام داد باین علت شاعری وی مقرون به ذوق و اندیشه عرفانی است. صوفیا و عرفا برای اصلاح باطنی سعی می نمودند و انتشار تعلیمات عرفانی و اخلاقی یعنی زهد و بی رغبتی از دنیا، توجه به خدا، لقای خدا، حشرونشر و غیره را مورد توجه قرار می داند، در اشعارش همین مطالب بطور واضح جلوه گرمی شود:
اینجا چند بیت از غزلهای وی نقل می شود.

فردا حسن چو پرسش عصیان من کنند غیر از ندامت آه ندانم جواب چیست

عمر همه به مستی غفلت خراب رفت تصویر وار زندگی من بخواب رفت

در حرص و هوا همه بسر شد عمرم فریاد که رفت مشیت خاکم بر باد

ز ذکر او نتوان بست لب که بعد از مرگ زبان بگام نیاید حسن دهان مرا

امروز باید از گنه خویش انفعال فردا چه سودمند بود لب گزیدنت

⁵ عطا حسین، سید؛ کیفیت العارفین و نسبت العاشقین، مطبع منعمیه ابوالعلائیہ گیا، 1934 ص، 347
⁶ باقر علی، سید شاه، دیوان باقر، ویرایش از سید عطا حسین، شمس الاسلام پریس سالار جنگ بلڈنگ، حیدرآباد، 1355 هـ، ص، 293

در این بیتها مضامینی که مطمح صوفیا می باشد یعنی یاد خدا، بی رغبتی از دنیا و توجه به خدا، توبه و استغفار دیده می شود.

فلسفه "وحدة الوجود" که در تصوف بسیار حایز اهمیت است در اشعار شاه حسن هم جلوه گراست اینجا یک شعر بطور مثال ارائه می دهم:

از زمین تا به آسمان همه سو

جلوه یار را تماشا کن

هرجا تونی و در همه دلها نشان تست

هرچند در نگاه جهان بی نشان تویی

معمولاً شاعران متاخرین، شاعران بزرگ و متقدمین را پیروی نموده و در زمینه اشعار منتخب و غزلیهای معروف شان طبع آزمایی نموده اند. سید شاه غلام حسن نیز از شعرای معروف و بزرگ پیروی نموده بویژه از سبک و شیوه شعر سرایی حافظ و سعدی الهام گرفت و بیشتر در زمینه ایشان شعر سرود. تشبیهات و استعاراتی که آنها بکار برده اند از آن استفاده کرد حتی مضامین و مطالب شاعری را هم پیروی نمود، مانند:

نباید ای بت مغرور از من بدگمان بودن

نثار هندو زلف تو کردم دین و ایمان را

شاعران، زلف محبوب را بعلت سیاه بودنش به هندو تشبیه داده اند. شاه غلام حسن نیز در بیت مذکور همین معنی را بیان کرده است:

بیت حافظ شیرازی را ملاحظه بکنید

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را

به خال هندوش بخشم سمرقند و بخارا را

حافظ در این بیت خال معشوق را بعلت سیاه بودنش به هندو تشبیه داده. شاه غلام حسن هم همین معنی را از اشعار حافظ اخذ نموده در شعر خود بکار برده است.

بود مهر و وفا کی در دل آن ماه جفا جورا

که داغ سینه ما خال باشد عارض او را

یعنی لکه بالعموم سیاه می باشد و خالی عارضی دلبر هم سیاه است شاعر می خواهد بگوید خالی که بر رخساروی است آن نشانگر محبت و بیقراری ما هست، ما اینقدر در فراقش و برای وصال و دیداروی آه می کشم که دلم لکه دار شده و تاثیر آه ما بر عارض و رخساروی هم هویدا شده است.

هندو چشم آن بت مغرور

آه دل برد و در پی دین است

چشم هندوی کسی غارت ایمان حسن

میکنند باز بیک غمزه مسلمان مددی

اینجا هم واژه هندورا برای سیاهی چشم استعمال نموده.

ترکیب تنگ دهانی در اشعار بسیاری از شعرا دیده می شود حافظ شیرازی در یک بیت خود این را اینطور بکار برده است:

تشبیه دهانت نتوان کرد به غنچه هرگز نبود غنچه بدین تنگ دهانی
فردوسی هم از این ترکیب تنگ دهانی استفاده نموده است:

دهانش به تنگی دل مستمند سرزلف چون حلقه پای بند

این ترکیب در اشعار شاه حسن هم دیده می شود:

خاموشی آن یار نه از راه غرور است بیرون نتوان شد سخن از تنگی لب

او اینجا یک نکته دیگری ارائه می نماید که اگر معشوق با عاشق گفتگو نمی کند علتش غرور و تکبر نیست بلکه تنگ دهانی وی او را مجبور می کند که کم سخن باشد. اگر این علت وجود نداشت کم سخنی هم وجود نداشت. باین دلیل باید عاشقان از طرف محبوب بدگمان نشوند و او را مغرور نشمارند.

شعرا در یک مصراع ادعا می نمایند و برای اثبات آن در مصراع دیگر دلیل بیاورند. شاه حسن هم از این صنایع و بدایع استفاده نموده.

نیست در عالم کسی را طاقت دیدار او یار من زین وجه روی خویش تن بهفته است

در این بیت هم یک نکته جالب بیان می نماید. ناز و ادای محبوب مانند احتراز از جلوه نمایی، کم سخنی و غیره باعث شکوه عاشقان می شود و از طرف معشوق سوء ظن بوجود می آورد و موجب اتهام مغرور و متکبر بودن معشوق می شود. شاه حسن این عادت معشوق را بنحوه احسن توجیه و تاویل نموده و اتهام مغرور بودنش را رفع نموده.

شاه غلام حسن در بیت زیر اهمیت دوستی را مطرح می کند و همراهی و مصاحبت دوستان را از زندگی مهمتر می شمارد:

زندگی باشد عزیز اما به هجر دوستان

گر بود چون خضر عمر جاودان هیچ است و هیچ

در اشعار شاه غلام حسن، رعایت صنایع و بدایع و استفاده از استعارات و تشبیهات نادر بچشم می خورد چند تامل از کلام وی اینجا نقل می شود:

سرمه در چشم سیاهش دود آه ما کشید
فتنه خوابیده شد بیدار از افغان ما

در این بیت شاه حسن سیاهی چشم محبوب را نتیجه آه عاشق بیان می کند می گوید که من از جور و جفای محبوب آه می کشم و بعلت دود آه ما چشم محبوبم سیاه شده. اینچنین خیال بندی و تشبیهات جدید در اشعارش زیاد دیده می شود. اتحاد بلبل و گل می توان دریافت کرد آنکه بر رخسار گلگون تو بیند خال را اینجا رخسار گلگون را از گل تشبیه داده و خال را از بلبل که بلبل به گل نشسته است و گل چینی می کند.

در اشعار شاه غلام حسن بیشتر تشبیهات مبالغه آمیز دیده می شود:

ز تاب برق جمالش که زد به آب آتش	شد دست ماهی دریا کباب در ته آب
نکبت او از گلاب و عطر افزون تر شود	پرتو رخسار گلگونش بیفتد گریه آب
هنوز گریه من نیست در حساب غمت	اگرچه غوطه زدم بی حساب در ته آب
فتاد چون به صدف پرتوی زدندانت	گهر ز روی خجالت شد آب در ته آب
هیچکس را در سیه بختی وهم آشفستگی	کاکلی شبگون او غیر از حسن همسرنیافت

این بیت را ببین:

هنوز گریه من نیست در حساب غمت	اگرچه غوطه زدم بی حساب در ته آب
-------------------------------	---------------------------------

شاه حسن چه قدر مبالغه آرای نموده است. او می گوید که در غمش این قدر اشک ریختم که از اشک من گویا یک بحر بوجود آمد و من در آن غوطه می زنم اما با وجود این قدر اشک ریزی هنوز نتوانستم غمش را مداوا می کنم و سبب جبران غم بشوم. یعنی غم محبوب غم من است که مرا وادار به گریه کرد. او در این بیت شدت غم محبوب و شدت گریه خود هر دو را نشان داده است. حضرت شاه غلام حسن از علوم عربی، قرآن و احادیث بخوبی آشنایی داشت. می گوئی بر علوم دینی دست کامل داشت باین علت می بینیم که از تعبیرات دینی، قرآن و احادیث استفاده نموده است. مانند:

مدّ بسم الله میدانم دو ابروی ترا	سوره والشمس میخوانم مه روی ترا
----------------------------------	--------------------------------

همین طور:

مشابه گرنبودی صورتش ابروی جانان را	نگشتی ابتدا از مدّ بسم الله قرآن را
کجا تقریر عیسی میرسد فیض کلامش را	که می دارد لب جان بخش جانان زنده نامش را

در این بیت از معجزه احیای موتی که از طرف خدا به عیسی علیه السلام اعطا شده بود، تلمیح کرد و در مقابل آن لب پرتائیر و جان بخش معشوق را آورده که اگر از کلام حضرت عیسی مرده زنده می شدند لب معشوق هم این قدر تاثیر دارد که دل‌های مرده از شنیدن کلامش تازگی و زندگی می یابند. می توان گفت این بیت در تعریف و توصیف پیغمبر اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ سروده چون کلام رسول اکرم ﷺ همین تاثیر داشت که گم گشتگان راه هدایت را بسوی خدا راهنمایی می فرمود، روح را تازگی می بخشید و درمان هر مرض بود.

در اشعار او تلمیحات، تعبیرات و اصطلاحات دینی و اسلامی مانند مذهب، سجده، فرض، زاهد، نماز، محراب، کعبه، موسی، طور، عیسی، حشر، یوسف، جمال، یعقوب، گریه و غیره دیده می شود:

مذهب عشق آنکه میدارد حسن در دین او	فرض باشد سجده در محراب ابروی حبیب
دلم میان دو زلف تو سجده می سازد	چو زاهدی که گذارد نماز در دل شب
تو هم دریغ مدار از لطف و کرم	دمیکه کس نبود غمگسار من یارب
بروز حشر چو یاران شوند دشمن من	بکن شفیع مرا دوستدار من یارب
بدرگه تو حسن سر بر آستان دارد	نکوکن از کرم انجام کار من یارب
یوسف جمال آن رخ انور ندیده است	یعقوب گریه من مضطر ندیده است

سید شاه غلام حسن در سال 1258 هـ / 1842 میلادی چشم از جهان بست. قطعه تاریخ درگذشت وی که توسط پسر خرد وی نوشته شده نقل بشود:

عارف بالله و عالم با عمل	ناظم و نائرو نادر در وجود
سید عالی نسب حضرت حسن	در جوار رحمت رب الودود
رفت چون شد بی سروپا اینهمه	صبر و شکر و حلم و عشق و نظم و جود

1258 هـ

اگر ما آثار سید شاه حسن را ارزیابی می کنیم می بینیم که شاعری اش بسیار پرارزش و غنی از لحاظ مضامین و مطالب عالی است و همه صنایع و بدایع و محسنات شاعری که در کلام شاعران بزرگ دیده می شود و سایر مختصات و ویژگیها که محققین و دانشمندان برای سخن خوب ارائه نموده اند در کلام ایشان هم بچشم می خورد. اما چون ایشان زندگی خود را در دهکده‌ها، روستاهای کوچک و دور از مراکز معروف ادبی می کردند و در پی صیت و آوازه خود نبودند باین علت در معرض خمول افتادند و مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران قرار نگرفتند.

مراجع

1. غلام حسن، سیدشاہ، دیوان حسن، مطبع نظامی، کانپور، 1284ھ.
2. بلخی، سید عزیزالدین احمد، تاریخ شعرای بہار، جلد اول، 1931، قومی پریس لیمیتڈ، پتنہ
3. عطا حسین، سید؛ کیفیت العارفین ونسبت العاشقین، مطبع منعمیہ ابوالعلائیہ گیا، 1934
4. باقر علی، سید شاہ، دیوان باقر، شمس الاسلام پریس سالار جنگ بلڈنگ، حیدرآباد، 1355ھ
5. ندوی، سید احمد اللہ، تذکرہ مسلم شعرای بہار، انٹرنیشنل پریس، کراچی، پاکستان، 1969م
6. علامہ شبلی نعمانی، شعرالعجم، جلد پنجم، دنیاوی کتاب، تہران، ایران، 1363
7. برق، سید محمد طلحہ رضوی، سجاده نشینان بہار (مشایخ سخن پرداز) مرکز تحقیقات فارسی رازی
فرہنگی، جمہوری اسلامی ایران، دہلی نو
8. تذکرہ سخنوران وطن، تذکرہ شعرای گیا، ریاض گیاوی، ریاض پبلشنگ ہاؤس چوک روڈ، گیا، بہارا ردو
اکادمی، 1984م
9. تذکرہ مشائخ بہار، دکتور سید شاہ طیب ابدالی، منصور رضا کارت سنٹر، معروف گنج گیا، بہار، 2013م
10. بہار کے بعض اہم فارسی گو صوفی شعرا، دکتور سید امام الدین فردوسی، مکتبہ فردوسیہ، بہار شریف، 1987م
11. دیوان حافظ، پروگریسیو بکس، 40- بی، اردو بازار، لاہور
12. شاہنامہ فردوسی، ابوالقاسم فردوسی